

Public Order and Good Economic Ethics from the Perspective of Sources of Jurisprudence and Iranian Laws

Somayeh Lashkari ¹, Hassan Asadi ^{2*}, Nasser Ali Afzalnejad ³

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Varamin, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Varamin-Pishva branch, Varamin, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 17-32

Article history:

Received: 24 Jun 2023

Edition: 2 Agu 2023

Accepted: 16 Oct 2023

Published online: 22 Jun 2024

Keywords:

General Economic Order;
Good Economic Ethics;
Imami Jurisprudence;
Iran's Legal System.

Corresponding Author:

Hassan Asadi

Address:

Iran, Varamin, Varamin-Pishva branch,
Faculty of Literature and Humanities,
Islamic Azad University.

Orchid Code:

0000-0002-5232-3851

Tel:

09123532764

Email:

asadihasan171@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Public order and good morals are two general concepts that have important effects in various legal fields, including contracts, etc. The purpose of this research is to examine and explain the concepts, types, examples, functions and effects of public order and good economic ethics in Iran's legal system and Imami jurisprudence.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The findings of the present research show that the general economic order and good economic ethics are considered the source of principles and rules in Iran's legal system and Imami jurisprudence. In fact, the function of these two concepts is not merely a negative function in the direction of "negation"; Rather, these two concepts can also have a positive function

Conclusion: The general economic order of the source, due to its textuality, is compatible with the law - the same government tool - but it is different from it. Because on the one hand, the provisions of all legal articles are not considered part of the general economic order. The good economic ethics of the source is not textual, and this point makes its positive function more effective; A source that is beyond the text, the place of emergence and discovery of legal rules and principles, compensates for the textual gap and results in the flexibility of the legal system and its exit from rigidity.

Cite this article as:

Lashkari S, Asadi H, Afzalnejad, N. *Public Order and Good Economic Ethics from the Perspective of Sources of Jurisprudence and Iranian Laws..* Economic Jurisprudence Studies. 2024.



نظم عمومی و اخلاق حسنه اقتصادی از منظر منابع فقهی و حقوق ایران

سمیه لشکری^۱، حسن اسدی^۲، ناصر علی افضل نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، ورامین، ایران.
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، ورامین، ایران.
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نظم عمومی و اخلاق حسنه دو مفهوم عام می‌باشند که در حوزه های مختلف حقوقی از جمله قراردادها و ... دارای آثار مهمی می‌باشند. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تبیین مفاهیم، اقسام، مصادیق، کارکردها و آثار نظم عمومی و اخلاق حسنه اقتصادی در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، نظم عمومی اقتصادی و اخلاق حسنه اقتصادی در فضای نظام حقوقی ایران و فقه امامیه منبع اصول و قواعد محسوب می‌شوند. در واقع، کارکرد این دو مفهوم، صرفاً یک کارکرد سلبی در جهت «نفی» نیست؛ بلکه این دو مفهوم می‌توانند کارکرد ایجابی نیز داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: نظم عمومی اقتصادی منبع، با توجه به شاخصه متنی بودن آن، با قانون - همان ابزار دولتی - تطبیق پیدا می‌کند، اما متفاوت از آن است، زیرا از یک سو مفاد همه مواد قانونی، جزء نظم عمومی اقتصادی تلقی نمی‌شوند. اخلاق حسنه اقتصادی منبع، متنی نیست و همین نکته، کارکرد ایجابی آن را تأثیرگذارتر می‌کند؛ منبعی که فراتر از متن، محل ظهور و کشف قواعد و اصول حقوقی است، هم خلأ متنی را جبران می‌کند و هم انعطاف‌پذیری نظام حقوقی و خروج آن از تصلب را نتیجه می‌دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۳۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

واژگان کلیدی:

نظم عمومی؛ اخلاق حسنه؛ اصول آمره؛ منافع اجتماعی؛ وجدان اجتماعی.

نویسنده مسئول:

حسن اسدی

آدرس پستی:

ایران، ورامین، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09123532764

کد ارکید:

0000-0002-5232-3851

پست الکترونیک:

asadihasan171@gmail.com

۱. مقدمه

و قواعد حقوقی تأملی بر چگونگی گذار از کارکرد سلبی به کارکرد ایجابی نهادهای حقوقی اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، «اخلاق حسنه» و «نظم عمومی» را باید منبع قاعده‌ی حقوقی و گزاره‌های حقوقی دانست تا علاوه بر نقش صرفاً سلبی، کارکرد ایجابی نیز داشته باشند. این دو منبع، همانند سایر منابع، متأثر از مبنای اعتبار قواعد در نظام حقوقی اند، تا آنجا که کثرت‌گرایی در مبنا، کثرت انواع «اخلاق حسنه» و «نظم عمومی» را در پی دارد (شهبابی و شهیدی، ۱۳۹۷).

همچنین مقاله مسعودی‌نیا (۱۴۰۱) تحت عنوان «بررسی فقهی جرایم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی» نیز حائز اهمیت است. از نظر نویسندگان، تحت تأثیر اهمیت نظم عمومی در فقه، فعالیت‌های اقتصادی محل نظم عمومی جرم‌انگاری شده است اما سیاست کیفری در این خصوص با نارسایی‌ها و انتقاداتی رویه روست. فقدان ضمانت اجرای موثر، عدم قطعیت کیفرها، رویکرد امنیتی به مجازات‌ها و عدم توجه به اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرمین از مهمترین انتقادات وارده به سیاست کیفری در خصوص جرایم اقتصادی محل نظم عمومی است. بر همین اساس توجه قانونگذار به رفع نارسایی‌های مورد اشاره ضروری است (مسعودی-نیا، ۱۴۰۱).

همان‌طور که مشاهده شد، تمرکز پژوهش‌های موجود بر شناسایی متغیرهای اصلی یعنی نظم عمومی و اخلاق حسنه در معنای عام می‌باشد؛ حال آن‌که تمرکز پژوهش حاضر بر مفاهیم مزبور با وصف اقتصادی است که همین امر نیز نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

اخلاق حسنه را می‌توان منش و کردار محسنین و پرهیزکاران جامعه دانست؛ منبعی که بخش مهمی از قواعد نظم عمومی از آن می‌تراود و مانع از تجاوز

با غلبه رویکرد تحقق‌ی و واقع‌گرایانه بر حقوق و پیدایش مکاتبی چون مکتب جامعه‌شناسی حقوق، «نظم عمومی» و «اخلاق حسنه» دچار تحول محتوایی و کارکردی شدند. «نظم عمومی» و همین‌طور «اخلاق حسنه» در این رویکرد، به جای حمایت از فرد، به سمت حمایت از جامعه سوق یافتند، منبع مجموعه قواعد آمره‌ای شدند که تضمین مصالح و منافع اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کند و دغدغه آن قواعد، دیگر آزادی‌های فردی و تضمین و تثبیت آن‌ها نیست؛ به گونه‌ای که در برخی از مصادیق این رویکرد، «نظم عمومی لیبرال» و «اخلاق حسنه لیبرال» و به طور کلی مفهوم «حق» انکار می‌شود. البته، در اندیشه‌های حقوقی معتدل‌تر ورود رویکرد تحقق‌ی و واقع-گرایانه، به حذف «نظم عمومی لیبرال» یا «اخلاق حسنه لیبرال» نینجامید؛ بلکه رهاورد آن پذیرش انواع «نظم عمومی» و «اخلاق حسنه» یا به تعبیر دیگر و البته مبنایی‌تر، عبور از وحدت‌گرایی به کثرت‌گرایی در مبنای اعتبار قاعده حقوقی بود. در این جاست که نقش اقتصاد و جایگاه آن به عنوان یکی از مبانی اصلی هر نظام حقوقی نمایان می‌شود. اخلاق حسنه را می‌توان از منظر حقوق و حقوق دانان از یکسو و از دریچه فقه از سوی دیگر مورد بررسی قرار داد. در قوانین ایران به طور مشخص در دو مقام و جایگاه از اخلاق حسنه سخن به میان آمده است که در هر دو مورد، مربوط به اصل آزادی قراردادها می‌باشد؛ یکی ماده ۹۷۵ قانون مدنی است و دیگری ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله شهبابی و شهیدی (۱۳۹۷) تحت عنوان «اخلاق حسنه» و «نظم عمومی» چون منبع اصول

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، نظم عمومی اقتصادی و اخلاق حسنه اقتصادی در فضای نظام حقوقی ایران و فقه امامیه منبع اصول و قواعد محسوب می‌شوند. در واقع، کارکرد این دو مفهوم، صرفاً یک کارکرد سلبی در جهت «نفی» نیست؛ بلکه این دو مفهوم می‌توانند کارکرد ایجابی نیز داشته باشند. از طرفی نیز، اخلاق حسنه اقتصادی در واقع چهره خاصی از نظم عمومی اقتصادی می‌باشد که با بنیان‌های نظام فقهی-حقوقی دارای ارتباط تام و بسیار نزدیک می‌باشد؛ به تعبیری، نقض اخلاق حسنه اقتصادی منتهی به نقض نظم عمومی اقتصادی نیز می‌گردد اما نقض نظم عمومی اقتصادی الزاماً منتهی به نقض اخلاق حسنه اقتصادی نمی‌شود.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم نظم عمومی در منابع فقه امامیه

مجموعه انسانی در کنار یکدیگر برای نیل به اهداف فردی، باید نوعی از تعامل اجتماعی را در زندگی مدنی خود برقرار کنند و لازمه نیل به این هدف، برقراری امنیت و آزادی است که زیربنای تمام جوامع انسانی است (بیروتی و هاشمی، ۱۳۹۳، ۲۰۴-۲۰۳). در اینجاست که مفهوم نظم عمومی شکل می‌گیرد، چرا که با برقراری نظم عمومی، می‌توان به یک جامعه عدالت محور دست یافت. در این میان اسلام و فقه امامیه با بیان اهمیت جایگاه

قراردادهای خصوصی به اخلاق است. بنابراین اخلاق حسنه نیز چهره خاصی از نظم عمومی است؛ بخشی از اخلاق که هنوز در قوانین نفوذ نکرده و ضامن اجرای آن تنها وجدان اجتماعی است. آنچه در فقه امامیه در ارتباط با بحث اخلاق حسنه می‌توان به آن پرداخت، عمدتاً اشاراتی است که در باب معاملات در معنای اعم آن به رعایت اخلاق حسنه و در عین حال بطلان معاملات خلاف اخلاق حسنه شده است (غلامی، ۱۳۹۰، ۱۷۲-۱۷۳). از سوی دیگر دلالت آیه شریفه ی «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل» (نساء/۲۹)، قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و قاعده ی «علی الید ماخذت حتی تودیة» و امثال اینها در این بحث قابل توجه و تأمل است. البته باید توجه نمود که صرف غیر اخلاقی بودن یک فعل مثل قرارداد، موجب بطلان آن نمی‌شود و مثلاً قراردادی که جهت آن مکروه - و نه حرام- باشد، نفوذ حقوقی دارد، لذا بررسی مصادیق قراردادهای مخالف اخلاق حسنه نشان دهنده ی آن است که عمدتاً این گونه قراردادها مشمول حرمت هستند.

پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، مفهوم نظم عمومی و اخلاق حسنه اقتصادی در چهارچوب نظام حقوقی ایران و فقه امامیه چیست؟ با توجه به این تشتت آراء و تحولات موجود در ارتباط با مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه، هدف از پژوهش حاضر بررسی و تبیین این دو مفهوم، اقسام، مصادیق، کارکردها و آثار آنها در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه از منظر اقتصاد می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۱۴۰۰، ۴۳۳)، لزوم رجوع به حاکم در الزام به وفای شرط و حقوق مالی (الانصاری، ۱۳۸۲، ۶۲؛ الموسوی البجنوردی، ۱۳۷۷، ۳۰۱)، جواز گرفتن دستمزد در واجبات نظامیه (الانصاری، ۱۳۸۲، ۱۳۸؛ الرشتی، ۱۴۰۱، ۹۱؛ مکارم الشیرازی، ۱۴۲۶، ۴۱۶)، باید شمرد. همچنین در دریافت حکم قانونی مسائل جدید الوقوعی چون ممنوعیت بازاریابی شبکه هرمی، ممنوعیت شبیه‌سازی انسان، بطلان شرط عدم مسئولیت در تقصیر ثقیل یا نقض عمدی قرارداد و جواز برقراری اقسام حق مالکیت معنوی با استناد به قاعده نفی اختلال نظام کمک گرفته شده‌است (خورسندیان و شرعی، ۱۳۹۵، ۹۹). ذکر این نکته ضروری است که مفاهیم نظم عمومی و قاعده نفی اختلال نظام، در عین تشابه و نزدیکی زیادی که با یکدیگر دارند از تفاوت‌هایی نیز چون تمایز در منابع و عرصه اعمال (الماسی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۸)، شیوه عملکرد (لوی برول، ۱۳۷۰، ۳۴) و خصیصه نسبی بودن مفهوم نظم عمومی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ۷۱۷) باید اشاره نمود.

احکام مختلفی در آرای فقها، مستند از حفظ نظم عمومی بیان گشته‌اند، در این میان باید به حکم وجوب حکومت، حفظ نظام به واسطه ولایت فقیه در زمان غیبت امام معصوم، برقراری حسبه، وجوب کفایی برقراری صنایع مختلف، منع احتکار، همچنین احکام قضایی چون وجوب قضا، وجوب نصب قاضی بر امام، تعزیر، اعتبار امر مختومه، ولایت قاضی حکمی (قضاوت شخص عادل غیرمجتهد)، اذن از حاکم برای قصاص و موارد مفصل دیگری که برشمردن تمام آنها در این مجال اندک ممکن نیست، برای حفظ نظم عمومی جامعه و توسعه عدالت در آن، از سمت جمع بزرگی از

ارزش‌هایی چون تعاون در اجتماع مستفاد از آیات ۲ سوره مبارکه مائده و ۳۲ سوره مبارکه زخرف، مشورت از اعضای جامعه مستفاد از آیات ۳۸ سوره مبارکه شوری و ۱۵۹ از سوره مبارکه آل عمران و همچنین ۳۶ سوره مبارکه احزاب، وفای به عهد مستفاد از آیه ۱ از سوره مبارکه مائده، امنیت مستفاد از آیات ۱۲۶ بقره و ۳۵ ابراهیم و همچنین آیات ۳ و ۴ از سوره قریش و ۱۸ سوره سباء، حرام شمردن ستیز با حق در آیات ۳۲ یوسف و ۹ الصف و همین‌طور ۷۸ از سوره مبارکه زخرف، در قرآن کریم، اقدام به تنفیذ آنها نموده‌است (الماسی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۰۷-۲۱۵). نظم عمومی که اسلام به رسمیت می‌شناسد، شامل دو دسته قوانین ثابت و تغییرپذیر می‌باشد. قوانین ثابت از این جهت که جاعل و واضع آنها، خداوند است غیرقابل تغییرند، اما آن دسته از قوانین اسلام که بر مبنای حق مسلمانان در مشورت دادن و مؤثر قراردادن این مشورت، وضع گشته‌اند، واجد وصف قابلیت تغییر هستند (بیروتی و هاشمی، ۱۳۹۳، ۲۱۳-۲۱۴).

اما زمانی که در لسان فقهای امامیه صحبت از نظم عمومی است به موضوع تقابل حکم با حق برخورد می‌کنیم، بدین شکل که هدف از برقراری احکام شرع، برقراری و حفظ نظم عمومی بوده و در این نقطه خواست اشخاص در تغییر احکام دخالت و تأثیری ندارد (حائری، ۱۳۷۳، ۱۳۳-۱۳۴). در این میان تنفیذ قواعدی همچون نفی اختلال نظام، حفظ مصالح عمومی و تقدیم اهم بر مهم که سابق بر ظهور اسلام و رواج فقه امامیه، نیز میان جوامع برقرار بوده از سایر مبانی نظم عمومی در فقه امامیه شمرده می‌شود (عاشری، ۱۳۸۱، ۱۳۴). از آثار این قواعد فقهی در اعمال حقوقی علی‌الخصوص قاعده نفی اختلال نظام باید به تقدیم قول وکیل (نجفی،

مرتبط است که اشخاص خصوصی نمی‌توانند خلاف آن توافق نمایند. آنچه از این تعاریف نتیجه گرفته می‌شود این است که نظم عمومی جزوی از اصول آمره مطرح در مباحث حقوق عمومی و هم حقوق خصوصی است (الماسی، ۱۳۸۳، ۱۲۹).

نظم عمومی به اعتبار منشاء پیدایش و منبع آن بر دو نوع است: یک نوع، اصولی است که در قانون به ذکر آن پرداخته شده است مانند مقررات مربوط حداقل حقوق و دستمزد، شرایط محیط کار و ... در قانون کار. نوع دیگر به‌طور صریح در قانون ذکر نگشته لکن در ساختار نظام حقوقی از جایگاه محکمی برخوردارند به‌گونه‌ای که قضات در مواجهه با قراردادهای مخالف با این نوع از نظم عمومی باید حکم به ابطال آنان دهند (صاحبی، ۱۳۷۶، ۶۲). همچنین بر اساس قلمرو حکومت مفهوم نظم عمومی از مصادیق مختلفی برخوردار است، مانند نظم عمومی سیاسی که در آن انسان با توجه به زیست در محیط اجتماع گاه به دلیل الزام رعایت نفع اجتماع، باید به محدودیت در آزادی فردی و حاکمیت اراده خویش تن دهد (الفت، ۱۳۸۴، ۸۸-۸۹). مصداق دیگری از نظم عمومی به حیطه اقتصاد باز می‌گردد که در آن دولت به دلیل حفظ نظم عمومی اقتصاد برای دستیابی به اهداف متعددی من جمله توزیع عادلانه ثروت و دستیابی به عدالت اجتماعی مجبور به برقراری محدودیت‌هایی نسبت به آزادی‌های اقتصادی اشخاص است (عابدیان، ۱۳۸۷، ۵۴).

مع الوصف به نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران، از آن جهت که قوانین مرتبط با حفظ نظم عمومی، به واسطه ویژگی تغییر پذیری و وابستگی به زمان و مکان، نسبی هستند، و هدف قانونگذار از اعمال این مفهوم در قوانین رعایت مصالح عمومی و منافع اجتماعی است، بدین جهت می‌توان گفت که در

فقه‌های امامیه لازم شمرده شده است (خورسندیان و شرعی، ۱۳۹۵، ۹۸-۱۰۱).

۵-۲. نظم عمومی در پرتو نظرات نویسندگان حقوقی

در نظام‌های حقوقی مختلف مفهوم نظم عمومی، با تعاریف، مشخصات و آثار مختلفی قابل دریافت است اما آنچه در این باره به صورت مشترک می‌توان یافت این است که مفهوم نظم عمومی مبتنی بر این اصل برتری اجتماع بر فرد است یعنی در تعارض منافع اجتماعی بر منافع فردی، این منفعت اجتماع است که باید مقدم انگاشته شود. بدین جهت است که به‌طور خاص در حقوق داخلی کشورهای مختلف، قراردادهای خصوصی که با نظم عمومی جامعه در تضاد باشد از ضمانت اجرای قانونی برخوردار نخواهد بود، حتی گاهی به دلیل تعرض آن بر منفعت اجتماعی با نوعی از برخورد قانونی نیز مواجه خواهد شد (صفایی، ۱۳۸۵، ۵۱). به همین جهت شناخت تعریف و آثار مترتب بر و از نظم عمومی در نظام حقوقی ایران لازم است. دسته‌ای از حقوقدانان با بیان هدف نظم عمومی آن‌را این‌گونه تعریف نموده‌اند که: «هدف از قوانین مرتبط با نظم عمومی حفظ منافع عمومی او بر هم زدن آن موجب وارد آوردن آسیب به روابطی است که برای اجرای احسن امور اداری یا سیاسی یا اقتصادی یا حفظ خانواده لازم است» (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۱۶۱). عده‌ای دیگر با بیان این‌که قوانینی که برای حسن اجرای امور مربوط به امنیت یا رعایت ضوابط اخلاقی نیک میان مردم جامعه و بدون توجه به مخالفت افراد جامعه بدان‌ها، وضع گشته‌اند، نظم عمومی هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۶۵۳). برخی براساس آثار مترتب از نظم عمومی به تعریفش پرداخته‌اند به‌طور مثال یکی از حقوقدانان با بیان این‌که نظم عمومی با قواعد امری

تمامی دسته‌های قوانین آمره مفهوم نظم عمومی قابل مشاهده است. لکن به اختصار قواعد مربوط به دادرسی منصفانه مانند قوانین آیین دادرسی، صلاحیت محاکم، اصول عمومی مربوط به ادله اثبات دعوی، دادخواهی در مراجع قضایی، قوانین مربوط به ارث و سهام ورثه، احکام قانونی مربوط به حقوق طبیعی اشخاص که قابل سلب یا انتقال نیستند، همچنین مقررات ارزی، قوانین مالیاتی، محدودیت‌های گمرکی و ... همه و همه از مصادیق نظم عمومی به‌شمار می‌آیند.

۵-۳. نظم عمومی اقتصادی

نظم عمومی اقتصادی، مفهوم نسبتاً جدیدتری نسبت به سایر جنبه‌های نظم عمومی است. این نوع از نظم، در دورانی که به آزادی اقتصاد اصالت زیادی داده می‌شده، وجود نداشته است. قوانین نظم عمومی در گذشته با در نظر گرفتن این جنبه که هدف حمایت از آزادی مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی است، وضع می‌شد. اما از قرن بیستم نظم عمومی اقتصادی شاخه جدیدی از علم حقوق شد که در آن دولت‌ها با هدف دستیابی به توزیع عادلانه ثروت، سعی بر به عهده گرفتن نقش راهبری اقتصادی اجتماعی نمودند (صفایی، ۱۳۸۵، ۵۳).

به نظر می‌رسد، نظم عمومی اقتصادی همانند نظم عمومی سیاسی یک معنای نسبی دارد. نظم عمومی ارشادی نیز تابع اوضاع و احوال حاکم بر جامعه است. نظم عمومی اقتصادی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: وجهه‌ای پویا از نظم عمومی در حوزه اعمال اقتصادی، که به تابعان حقوق فرمان انجام و ترک چه اعمالی و نتیجه رعایت آنان موجبات برقراری یا از هم گسیختگی نظم را فراهم می‌کند. پس از هجوم اقتصادی امپریالیسم به جمهوری اسلامی ایران و وضع تحریم‌های غیر قانونی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در تاریخ

۲۹/۱۱/۱۳۹۲ در ۲۴ بند از جانب مقام رهبری ابلاغ شد که پشتوانه اصلی آن نظریه ای در حقوق اقتصادی است که با عنوان «اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا» شناخته می‌شود. بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره بر دیپلماسی اقتصادی دارد، که در آن مقرر است: «استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی» (مولاھویزه، ۱۴۰۰، ۵-۱).

طی سال‌های اخیر و پس از برقراری تحریم‌های سنگین علیه اقتصاد و ملت ایران توسط دولت‌های خارجی، بازارهای مختلفی مالی ایران نیز به دلایل مختلف از جمله عدم رعایت اصول علمی اقتصاد، همچنین سنتی بودن اقتصاد ایران و عدم امکان مبادلات ارزی از طرق قانونی و سهل سابق، دچار تنش‌های گسترده و عمیقی که منجر به کاهش شدید ارزش پولی ایران شد. در این بحبوحه دولت برای ساماندهی به این بازارها مجبور به برقراری محدودیت در اعمال آزادی قراردادی علی‌الخصوص در بازار ارز شد. به عنوان مثال رسمیت بخشیدن به ارز چند نرخی با پیش‌بینی ارزهای مختلف تحت عناوین ارز نیمایی، ارز توافقی سامانه سنا، ارزی که در بازار آزاد به فروش می‌رسید، همگی به نوعی سعی در کنترل بازار و برقراری نظم عمومی در اقتصاد بود (ترکی و مظاهری، ۱۴۰۱، ۶۹-۹۸).

پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با انتشار گزارشی تحت عنوان «کنترل بازار آزاد ارز با هدفگذاری پولی و سیاست‌های تحدیدی تورم» در خصوص تأثیر سیاست‌گذاری کلان اقتصادی در بازار ارز، در نهایت این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که نباید به تعیین قواعد پولی براساس مصالح مقطعی پرداخت (بیدآباد، ۱۳۸۳، ۱۴۹).

در دیدگاه جرم‌شناسانه، جرایم اقتصادی مبتنی بر تزویر شناخته می‌شوند، بدین معنا که بستر ارتکاب جرایم تزویرآمیز، ساختارها و ابزارهای فعالیتهای اقتصادی مشروع مانند بخشهای مالی، حوزه رقابت، بودجه، مصرف، مبادلات تجاری و ... است، که شرایط را برای سوءاستفاده مرتکبان از موقعیت خود فراهم می‌نماید. و این جرایم، جرایم منتج به نتیجه ایجاد اختلال در نظم عمومی اقتصاد جامعه باید شوند (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۳). بر این اساس، ممکن است یک کارگزار بورسی بر اساس جایگاه و اطلاعات خود مرتکب جرم اقتصادی شود یا یک تاجر با رفتاری که منجر به اختلال در فرآین فعالیت اقتصادی گردد. و این نوع تعریف خارج از اصل مضیق بودن تفسیر در حقوق کیفری قرار می‌گیرد.

برخی حقوقدانان بر این باورند که استفاده از ابزارهای حقوق عمومی بیش از حقوق کیفری، به تنظیم نظم عمومی اقتصاد علی‌الخصوص در نظام‌های حقوقی که دولت در آنها بیشتر درگیر اقتصاد است، می‌تواند کمک کننده باشد (شیروی، ۱۳۹۹، ۱۷). به عنوان مثال برقراری و نظارت بر اعمال صحیح مقررات ویژه معاملات با و در شرکت‌های دولتی نظیر رعایت مقررات برگزاری مناقصات و مزایده‌ها به طریق دقیق، توجه به الزامات ناشی از قراردادهای حوزه عمومی پیمان از جمله این موارد می‌باشند. البته به دلیل مبالغ سنگینی که معمولاً در حوزه قراردادهای دولتی وجود دارد، بستر ایجاد فساد نیز مهیا است. برای مقابله با فساد در قراردادهای دولتی قوانین و مقررات مختلفی در نظام حقوقی ایران به تصویب رسیده که از جمله مهم‌ترین آنها باید به قانون وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۲ دی ماه ۱۳۳۷، قانون تشدید مجازات

بیشترین پیامدی که عدم رعایت حفظ نظم عمومی اقتصادی در پی دارد را باید با معرفی تعدادی چند از عناوین جرایم اقتصادی بیشتر شناخت. برای تعریف جرم اقتصادی از عوامل متعددی در مبنای آن کمک گرفته شده است، چرا که این دسته از جرایم خود با جرایم مالی دیگر همچون جرایم پولی و بانکی، جرایم مالیاتی، یا حتی مفاهیمی چون فساد مالی و اداری نزدیکی زیادی دارد. از ای جهت بر مبنای اینکه حوزه فعالیت این جرایم فعالیت‌های اقتصادی است، یا بر اساس انگیزه مرتکبین که با هدف دستیابی به یک امتیاز مالی در چهارچوب فعالیت اقتصادی ولی خارج از محدوده صلاحیت قانونی انجام پذیرد، به آن جرم اقتصادی گفته می‌شود (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۲-۱۰). دیوان عالی کشور فرانسه در یک رأی جرم اقتصادی را جرمی دانسته که مربوط به چرخه تولید، توزیع و مصرف است و چون گردش این سه فرایند اقتصادی به وسیله پول صورت می‌گیرد و عنصر اصلی مبادله در اقتصاد هم پول است لذا در نهایت منجر به اختلال در نظام اقتصادی می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ۶). جرایمی که علیه دو شاخص اقتصادی، «سیاست های اقتصادی» و «فعالیت‌های اقتصادی» ارتکاب می‌یابند جزو مشخصات دیگر شناخت جرایم اقتصادی هستند. دسته اول به سیاست های اقتصاد در حوزه مالی و پولی و حول محور پول و ارز و درآمدهای دولت لطمه وارد می‌آورد. دسته دوم موجب اختلال در چرخه تولید، توزیع و مصرف را در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در این دسته، هرگونه عمل مجرمانه علیه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌های تجاری و حقوق مصرف کننده به عنوان جرم اقتصادی قابل تعقیب است (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۵).

قابل توجهی از آیات قرآن را تشکیل می‌دهند، چرا که در نظام توحیدی آنچه سبب حیات و برقرار ماندن زندگی مناسب انسان در جامعه و یک اجتماع است، رفتار مناسب اجتماعی است (حسومی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۹۴-۲۹۷).

وجود برخی از بعضی اصول در نظام حقوقی اسلام، سبب گشته است تا اخلاق حسنه در این نظام حقوقی، نقش پررنگی تری داشته باشد. برای نمونه می‌توان به اصل عدل، اصل احسان، اصل تقدم مصالح معنوی بر منافع مادی، اصل رعایت اولویت اشاره نمود. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اخلاق حسنه بیشترین تأثیر خود را در حوزه تنظیم مناسب روابط اعضای اجتماع خواهد گذاشت (مطهری، ۱۳۸۹، ۶۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۴۲-۴۷؛ غلامی، ۱۳۹۰، ۱۹۷-۱۹۸). همچنین اصل حسن نیت که یکی دیگر از اصول اخلاقی است که در تمام نظام‌های حقوقی مبنای احکام و الزامات مختلفی قرار گرفته، در فقه امامیه نیز از جایگاه خاص و بسیار مؤثری برخوردار است چنانچه قواعد فقهی نظیر غرور، لاضرر، اقدام و اصل صحت در معاملات، حکم به پرهیز از اقداماتی که موجب لطمه به حقوق طرف قرارداد یا شخص ثالث همچون غش در معامله، تدلیس، پرهیز از معامله یا حتی وقف به قصد محرومیت ورثه و ... همگی مواردی هستند که بر مبنای اصل حسن نیت، الزام به رعایت آنان وجود دارد (حاجی‌پور، ۱۳۹۰، ۹۴-۹۷).

به نظر می‌رسد بیشترین مباحثی که در فقه امامیه، مورد شمول اخلاق حسنه قرار می‌گیرند، در باب معاملات میان مردم است؛ اما این باب تمام و تنها زمینه برقراری اخلاق حسنه مطروحه در فقه امامیه نیست و علاوه بر بحث معاملات، در قواعد فقهی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» و «علی الید ماخذت

مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و همچنین قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۹ اشاره نمود (خالقی و فضلی، ۱۳۹۷، ۱۷۱-۲۱۱).

۴-۵. اخلاق حسنه در منابع فقه امامیه

اخلاق حسنه ترکیبی وصفی از دو کلمه اخلاق و حسن به معنای رفتار پسندیده است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ۱۳۷). در منابع اسلامی، اشارات متعددی به اخلاق حسنه و مصادیق آن شده است؛ برای مثال، آیه ۱۸۸ سوره بقره، که در آن خداوند کریم می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ». مسلمانان را از خوردن مال یکدیگر به باطل نهی نموده و همین نهی مجدداً در آیه ۲۹ سوره نساء نیز تکرار شده است (حائری، ۱۳۷۳، ۱۷۲-۱۷۳). معصومان علیهما السلام، در خصوص تفسیر آیه ۲۹ سوره نساء منظور از باطل در این آیه را مالی که از طریق قمار به دست آمده باشد (برازش، ۱۳۹۶، ۸۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ۱۶۷)، کسب مال از طریق قسم دروغ خوردن (برازش، ۱۳۹۶، ۸۸؛ حویزی، ۱۴۱۵ق) بیان نموده‌اند. صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیر این آیه چنین بیان می‌کند که هرگونه تصرف در مال دیگری بدون مجوز منطقی و مشروع، ناحق شمرده شده و از این جهت که حق در برابر باطل قرار می‌گیرد، خداوند متعال حکم به نهی از این‌گونه اقدامات و بطلان آنها داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۵۳). آیاتی که به بیان توصیه‌های اخلاقی مختلف چه در زمینه رعایت اخلاق فردی، چه اخلاق اجتماعی و چه حتی رعایت اخلاق حسنه اقتصادی می‌پردازند، بخش

حتی تودیه» را باید از سایر مبانی فقه امامیه به شمار آورد.

۵-۵. مفهوم اخلاق حسنه در نظام حقوقی

ایران

حقوقدانان ایرانی، در تعریف اخلاق حسنه را در نظام حقوقی ایران به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول، اخلاق حسنه را اصول اخلاقی که طرفین عقد نمی‌توانند برخلاف آنها به انعقاد قرارداد بپردازند، معرفی نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۲۱۵). دسته دوم، اخلاق حسنه را، منش پسندیده مطابق با معیارهای جامعه در ارتباط اعضایش با یکدیگر معرفی نموده‌اند (امامی و عبدی، ۱۳۷۸، ۲۱۵). در نهایت دسته سوم معتقدند که اخلاق حسنه رفتار اعضایی از جامعه است که متخلق به این‌گونه رفتار شناخته می‌شوند ولی حسن اجرای این رفتار برای سایر اعضای جامعه از ضمانت اجرا برخوردار نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۵۲). قبل از استقرار حاکمیت قانون در جوامع، تنها مذمت اخلاق نتیجه ارتکاب جرایم بود اما بعد از حاکمیت قانون، این مذمت اخلاقی به حد ممنوعیت قانونی رسید و برای آن مجازات تعیین شد. بنابراین در ابتدا، این اخلاق بود که امری را مذموم و ناپسند دانست و در ادامه حکم ممنوعیت آن در قانون نیز اعلام شد. هدف از حاکمیت قانون نیز که استقرار و برقراری عدالت اجتماعی است، خود یکی از ارزش‌های اخلاقی محسوب می‌شود (غلامی، ۱۳۹۰، ۳۸۸-۳۸۹).

حقوقدانان مبنای اخلاق حسنه در نظام حقوقی ایران را به دو معیار کلی مرتبط می‌دانند: معیار اول، قانون است چنانچه قواعد اخلاقی را که فاقد ضمانت اجرای قانونی باشد را، در زمره اخلاق حسنه نمی‌آورند. اثر پذیرش این سخن این خواهد بود که استقلال مفهوم اخلاق حسنه از مفهوم

حاکمیت اراده از بین رفته و اخلاق حسنه مصداقی از مفهوم حاکمیت اراده محسوب می‌شود. این در حالی است که قانونگذار اخلاق حسنه را به عنوان عامل مستقل و مؤثری خارج از عنوان حاکمیت اراده در بطلان شرط یا قرارداد خلاف آن در نظر گرفته‌است. دسته دیگر، معیار اخلاق حسنه را عرف و عادات و رسوم یک جامعه می‌دانند بدین نحو که چنانچه وجدان جمع کثیری از اعضای یک جامعه امری را اخلاق نیکویی که باید رعایت شود یا امر مذمومی که باید ترک شود بشناسند، آن امور اخلاق حسنه محسوب می‌شوند. پذیرش این نظر نیز خالی از ایراد نخواهد بود چرا که تفاوت در عرف یک جامعه نیز ممکن است چنان زیاد باشد که نتوان به یک معیار کلی دست یافت (خدایاری سیکان، ۱۳۹۸، ۷-۸).

مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به این دلیل که تمام قوانین باید با شریعت اسلام تطبیق داشته باشند، آنچه به عنوان اخلاق حسنه در نظام حقوقی ایران شناخته می‌شود نیز خارج از شمول این اصل نخواهد بود و روشن است که در نظام حقوقی ایران که جزوی از نظام حقوق اسلام محسوب می‌شود، منظور از اخلاق حسنه اخلاق اسلامی خواهد بود (قربان‌نیا، ۱۳۷۷، ۳۸۶). به همین جهت است که رعایت اخلاق حسنه در نظام حقوقی ایران چه در عرصه قانونگذاری و چه در عرصه اجرای آن، حاکم است. به طور خلاصه: اصول دوم، سوم، هشتم، نهم، چهاردهم، بیست و سوم، بیست و هفتم، بیست و هشتم، پنجاه و ششم، یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همگی گویای این واقعیت هستند که سمت و سوی نظام حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، چه در شکل‌گیری و چه در جهت باید به سمت یک جامعه اخلاق مدار باشد.

مبناست که دو نظام اخلاقی متفاوت، منجر به شکل‌گیری دو نظام اقتصادی متفاوت خواهند شد. به عنوان مثال نظام سرمایه‌داری لیبرالیستی نشأت گرفته از نظام اخلاقی پروتستانی است و در نگرش خداپورانه اسلام، نظام اقتصادی و ارزش‌های حاکم بر آن واجد اخلاق اسلامی و متأثر از آنها است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۲۰).

در اقتصاد لیبرالیستی که در آن دو اصل مالکیت خصوصی و آزادی قراردادی مبنا است، اخلاق حسنه اقتصادی نشأت گرفته از عقل جمعی معرفی می‌شود. باید گفت که اخلاق حسنه اقتصادی خود ایجاد کننده مبنا در نظام اقتصاد لیبرالیستی است به عنوان مثال ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی فرانسه که آزادی قراردادی را به رسمیت شناخته بر مبنای اعتبار عقلانی شکل می‌گیرد (صانعی دره‌بیدی و رضایی، ۱۳۸۸، ۷۷).

پس از شکست اقتصاد لیبرالیستی در کسب رضایت‌مندی طبقات ضعیف‌تر جامعه، مکاتب سوسیالیستی با ایده دولت رفاه به میدان آمدند. در این ایده که وضعیت رفاه اجتماعی با ارزیابی دو عنصر مطلوبیت فردی و امتزاج مطلوبیت‌ها از طریق کارکرد رفاه اجتماعی، مشخص می‌شود، تأکید بر انصاف در توزیع درآمد، نوع دوستی، تأثیر بر سلايق اجتماعی از مصادیق اخلاق حسنه معرفی شده از سوی این نظام‌ها بود. نتیجتاً اینکه با تأکید بر نفع جمعی، حتی در صورت عدم مطلوبیت فردی، نظام اقتصادی به هدف خود دست یافته است.

آموزه‌های اخلاقی اسلام حتی برای رفتارهای اقتصادی مسلمانان نیز رهنمود دارد. بدین نحو که هر شخص مسلمان با رفتار اقتصادی خود، چه در حوزه اقتصادی خرد موجب تأثر است و چه موجب تأثیر در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی دولت می‌گردد. از مهمترین باورهای اقتصادی اسلام که

همچنین اخلاق حسنه در حوزه حقوق خصوصی نظام حقوقی ایران، واجد ضمانت اجراهای مؤثر در ابواب معاملات و امور مالی من جمله در قواعد و احکام مربوط به شرایط اساسی معاملات، وفای به عهد، رد امانات و ودیعه، سرپرستی و نگهداری از محجورین و صغار و اموال آنان، رسیدگی به امور اوقاف و عمل دقیق به وصایا می‌باشد. احکام مواد ۹۷۵ و ۹۶۱ قانون مدنی ایران، به‌طور خاص به بیان بلااثر بودن قراردادهایی که خلاف اخلاق حسنه منعقد شوند، پرداخته و همچنین در مبحث مسئولیت مدنی نیز جبران مسئولیت ناشی از ضرر و قاعده افراط از قواعد اخلاقی هستند که در نظام حقوقی ایران مؤثر بوده‌اند (قربان‌نیا، ۱۳۷۷، ۳۹۵).

جایگاه اخلاق حسنه در حقوق عمومی نظام حقوقی ایران نیز با توجه به مواد مرتبط به کار کودکان و زنان، تعیین حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کار، الزام به پرداخت حق بیمه در قوانین کار و تأمین اجتماعی همین‌طور لزوم بررسی سوءنیت در رکن معنوی جرم و تأثیر آن در محکومیت یا برائت مرتکب، برشمردن مجازات برای جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی همچون جرایم جنسی حدی، توهین، آدم‌ربایی و ... از جمله مواردی است که به علت محدودیت در وقت باید به ذکر مواردی چند از آنان، به‌طور خلاصه، پرداخت (محسنی، ۱۳۹۶، ۱-۳۱).

۵-۶. اخلاق حسنه اقتصادی

بدون شک نوع نگرش انسان به خود، سایر انسان‌ها، جامعه و به‌طور کلی جهان‌بینی وی و تفسیرش از این نگرش، تأثیر آشکاری بر پسندیده یا ناپسند شمرده‌شدن یک رفتار دارد. ارزش‌های معنوی یا اخلاقی که یا خود به تنهایی یک ارزش اقتصادی محسوب شوند یا آثار اقتصادی در پی داشته باشند، در زمره اخلاق اقتصادی قرار می‌گیرند. بر همین

خدادادی می شوند، می کند (مومنی، ۱۴۰۰، ۱۱۵-۱۴۰).

از مصادیق دیگر اخلاق حسنه اقتصادی اسلام، نفی ظلم است. سوءاستفاده از ضعف و نیاز افراد علی-الخصوص هنگام انعقاد قرارداد، به شکلی که موجب تحمیل ضرر به طرفی که از قدرت کمتری برخوردار است شود، از مصادیق ظلم اقتصادی در قرآن شناخته شده است. قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره نساء ضمن توصیه به توجه به شرایط یتیمان و نهی از خوردن اموال آنان، اشخاصی را که در تصرف مال یتیم، موجب نابودی مال او شوند یا به دلیل ضعف یتیم در اعما قدرت مال او را بخورند، با عنوان کسانی که آتش را به شکم خورد فرو می‌برند، معرفی شده‌اند. همچنین مسئولیت دولت مبنی بر اقدان به توزیع عادلانه ثروت میان همگان، مقابله با ویژه‌خواری و ایجاد فرصت‌های برابر در دستیابی آحاد جامعه به توانمندی مالی، از سایر پیامدهای اقدام مسئولانه در جهت قاعده نفی ظلم است (صرامی، ۱۳۹۹، ۲۷-۵۶).

رباخواری که در قرآن کریم با عنوان اعلان جنگ با خدا و پیامبرش در آیات ۲۷۵ و ۲۷۹ سوره بقره نامیده شده است، از دیگر نواهی اعتقادی مسلمانان است که پیامدهای بسیاری در زمینه اقتصاد نیز دارد. در مورد حرمت ربا، دلایل مختلفی را ذکر کرده‌اند که شاید مهم‌ترین آن ایجاد زمینه فساد در حفظ ارزش پول ناشی از افزایش سرمایه بدون پشتوانه و بدون تحمل احتمال ضرر است (شیروی، ۱۳۹۹، ۱۴۲).

علاوه بر این موارد، در برنامه اسلام برای از بین بردن اختلاف طبقاتی غیر عادلانه ای که در اثر بی عدالتی‌های اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیدا شده، حکم به وجوب پرداخت مالیات‌های اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند

در قرآن و احادیث به ذکر آنها و پیامدشان پرداخته شده، به صورت بسیار مختصر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مطابق آیات قرآن من جمله آیات ۱۲۰ سوره مائده و ۳۳ سوره نور، با تأکید بر اینکه مالکیت حقیقی آسمان‌ها و زمین متعلق به خداوند است، این اعتقاد در مسلمانان باید به وجود آید که آنان تنها امانتدار این امانات هستند. در نتیجه دولت اسلامی نیز باید در سیاست‌گذاری‌های خود، شرط رعایت امانت را نموده و مانع از انحصارطلبی برخی افراد خاص در بهره‌مندی از منابع طبیعی خدادادی گردد (زمانی و حاجی حسنی، ۱۴۰۰، ۱-۹).

همچنین ممنوعیت مسلمانان از اسراف مستفاد از آیاتی چون آیه ۳۱ سوره اعراف، باید موجب این شود که مسلمانان به رعایت اعتدال در مصرف توجه نمایند. شاید به این علت که مواهب الهی محدود و تمام‌شدنی هستند و عدم رعایت اعتدال از سوی گروه‌های ثروتمندتر مردم، موجب می‌شود گروه‌های ضعیفتر دسترسی محدودتر و سختتری به این مهاب و منابع داشته باشند. پیامد طبیعی منع از اسراف و توجه به رعایت اعتدال، اقتضای این امر را می‌نماید که مسلمانان با تدبیر و هوشمندی بین درآمد و مصرف خود، تناسب را ایجاد و نگهداری کنند، چرا که اسراف پیامدهای منفی طبیعی از جمله اضرار به غیر، پیدایش موجبات فقر و محرومیت فرد و قسمت عمده‌ای از جامعه، وابستگی و آسیب‌پذیری جامعه در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر، نفوذ فرهنگ بیگانه، زایل شده نعمت، کم شدن برکت، را به دنبال خواهد داشت (نقوی، ۱۳۹۰، ۴۶-۵۲). علاوه بر این در مورد دولت-ها نیز قاعده منع اسراف، امر به منع دولت از انجام هزینه‌های بدون بازگشت و توجیه اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌هایی که موجب تضییع منابع

اقتصادی منبع، با توجه به شاخصه متنی بودن آن، با قانون - همان ابزار دولتی - تطبیق پیدا می‌کند، اما متفاوت از آن است، زیرا از یک سو مفاد همه مواد قانونی، جزء نظم عمومی اقتصادی تلقی نمی‌شوند. اخلاق حسنه اقتصادی منبع، متنی نیست و همین نکته، کارکرد ایجابی آن را تأثیرگذارتر می‌کند؛ منبعی که فراتر از متن، محل ظهور و کشف قواعد و اصول حقوقی است، هم خلأ متنی را جبران میکند و هم انعطاف‌پذیری نظام حقوقی و خروج آن از تصلب را نتیجه می‌دهد.

رابطه بین اخلاق حسنه اقتصادی و نظم عمومی اقتصادی، عموم و خصوص مطلق است؛ چرا که برخی اصول اجبارآور، در نظم عمومی اقتصادی هستند، اما عدم در نظر گرفتن آنها، یک امر برخلاف و مغایر اخلاق شمرده نمی‌شود، هر مسئله بدون اخلاق، بدون شک، متضاد با نظم عمومی است. بین این دو مفهوم تفاوت شکلی وجود دارد، نظم عمومی اقتصادی و اخلاق حسنه اقتصادی یک معنای متضاد ماهوی و ذاتی با یکدیگر ندارند، زیرا مبنای اصل‌هایی که آن دو را بوجود می‌آورند، در نظام حقوقی یکسان است. به عبارت دیگر، که اگر در نظام حقوقی کثرت‌گرایی در یک اصل حقوقی داشته باشیم، یک پایه دیگری مثلاً عقلانیت فطری یا وجدان اجتماعی، پایه اصول اخلاق حسنه می‌باشد و پایه نظم عمومی اراده دولت است.

مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه اقتصادی به صورت مصرح و دقیق در مجموعه قوانین نظام حقوقی ایران مورد تعریف قرار نگرفته‌اند. از سوی دیگر، به طریق اولی، مصادیق این دو مفهوم نیز در یک قانون مورد اشاره و تصریح قرار نگرفته است. عدم تعیین مصادیق مفاهیم مزبور، از این جهت قابل توجیه است که قانون‌گذار متغیر «زمان» و «مکان» را در تعیین مصادیق مزبور مؤثر دانسته و

آنها و تشویق به انفاق، وقف و قرض الحسنه شده است (افسای، ۱۳۸۶، ۱). از جمله فواید انفاق در اقتصاد و جامعه که مستفاد از آیات مختلف قرآن است باید به، مانع هلاکت اجتماع شدن، سبب ازدیاد مال گشتن اشاره نمود (افسای، ۱۳۸۶، ۵). همچنین در روایات مختلف و متعددی رفتارهایی که در زمره اخلاق حسنه اقتصادی قرار می‌گیرند، معرفی شده‌است، مانند این روایت از امام صادق (علیه السلام) که لزوم وفای به عهد و تأدیه دین در موعد مقرر در آن از لسان معصوم مستفاد می‌شود. روایت این چنین است که از سماعه نقل شده است، به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «مردی از ما سرمایه‌ای دارد که با آن معاش خود و خانواده‌اش را می‌گذراند و دینی نیز بر عهده دارد؛ آیا موجودی خود را هزینه‌ی خوراک و مخارج خانواده‌اش کند و به انتظار گشایشی باشد تا دین خویش را ادا کند؟ یا دینش را ادا نماید و مجدداً سرمایه‌ای برای مخارج خانواده‌اش از این و آن، در این روزگار سخت و کساد بازار، وام بگیرد؛ یا از صدقه و زکات امرار معاش کند؟» فرمود: «از موجودی خویش دینش را ادا کند و از اموال مردم که در دست اوست مصرف نکند؛ زیرا خداوند عزوجل فرموده: لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (برازش، ۱۳۹۶، ۸۸۸؛ صدوق، ۱۳۸۵، ۱۸۴).

۶. نتیجه‌گیری

نظم عمومی اقتصادی و اخلاق حسنه اقتصادی در فضای نظام حقوقی ایران و فقه امامیه منبع اصول و قواعد محسوب می‌شوند. در واقع، کارکرد این دو مفهوم، صرفاً یک کارکرد سلبی در جهت «نفی» نیست؛ بلکه این دو مفهوم می‌توانند کارکرد ایجابی نیز داشته باشند. به تعبیری، «نظم عمومی اقتصادی» و «اخلاق حسنه اقتصادی» را باید منبع اصول و قواعد حقوقی تلقی کرد. نظم عمومی

در نتیجه به صورت مشخص از اعلام مصادیق آن‌ها، امتناع نموده است. اما این توجیه در ارتباط با فقدان تعریف مشخص از نظم عمومی اقتصادی و اخلاق حسنه اقتصادی قابل پذیرش نمی‌باشد. مضافاً این‌که، در ارتباط با عدم تعیین مصادیق، نباید از نظر دور داشت که، برخی مصادیق مزبور ریشه در تعالیم دینی و هنجارهای فطری دارند؛ به تعبیری، مصادیق مزبور دارای آن‌چنان جایگاه خاصی در مبانی نظام مذهبی-سیاسی-حقوقی هستند که نه تنها در زمان حال، بلکه با همین کیفیت در گذشته وجود داشته و در آینده نیز قابل تغییر نخواهند بود. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ضمن ارائه تعریف مشخص از مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه اقتصادی، به ارائه برخی مصادیق خاص آن‌ها که به صورت سنتی در نظام فقهی-حقوقی وجود داشته و خواهد داشت (با در نظر گرفتن مواردی که مورد بررسی قرار گرفت) اشاره داشته باشد، و باب شناسایی و شکل‌گیری مصادیق جدید را نیز مسدود ننماید.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع:

- قرآن کریم»، پژوهش های اخلاقی، سال نهم، شماره یک، ۱۳۹۷.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.ق.
- خدایاری سیکان، فیروزه، «تفاوت شرط خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه با شرط نا مشروع»، کنفرانس ملی حقوق در چشم انداز ۱۴۰۴، ۱۳۹۸.
- خوردندان، محمد علی، شرعی، الهام، «مبانی قاعده نفی اختلال نظام در فقه اسلامی و حقوق موضوعه»، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، فقه ومبانی حقوق اسلامی، سال چهارم و نهم، شماره یکم، ۱۳۹۵.
- الرشتی، میرزا حبیب‌الله، کتاب القضاء، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۱.ق.
- زمانی، سیده معصومه، حاجی حسنی، رضا، «اهمیت حفاظت از منابع طبیعی از دیدگاه قرآن کریم»، دومین همایش ملی پژوهش‌های میان‌رشته ای قرآن و انگره‌های علوم زیستی، ساری، ۱۴۰۰.
- شهبابی، مهدی، شهیدی، نگار، «اخلاق حسنه» و «نظم عمومی» چون منبع اصول و قواعد حقوقی تأملی بر چگونگی گذار از کارکرد سلبی به کارکرد ایجابی نهادهای حقوقی، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهارم و هشتم، شماره سوم، ۱۳۹۷.
- شیروی، عبدالحسین، حقوق اقتصادی، تهران، سمت، ۱۳۹۹.
- صاحبی، محمدحسین، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶.
- صانعی دره‌بیدی، منوچهر، رضایی، مهران، «پژوهشی در مسأله آدم اسمیت: سازگاری یا ناسازگاری نظام اخلاقی و اقتصادی اسمیت»، دوفصلنامه فلسفی-شناخت پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۶۱/۱، ۱۳۸۸.
- صرامی، سیف‌الله، «قاعده فقهی نفی ظلم در قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، شماره دوازدهم، دوره دوازدهم، ۱۳۹۹.
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعدعمومی قراردادها، تهران، نشرمیزان، زمستان ۱۳۸۵.
- عابدیان، میرحسین، شروط باطل و تاثیر آن در عقد، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۷.
- افسای، محمدجعفر، «انفاق از منظر قرآن و عترت»، مجله فرهنگ کوثر، شماره هفتاد و دوم، زمستان ۱۳۸۶.
- امامی، اسدالله، عبدی، صادق، «تحلیل مبانی فقهی حقوقی شرط عدم مسئولیت قراردادی»، مجله مجتمع آموزشی قم، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۸.
- الانصاری، الشیخ مرتضی، المکاسب، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۲.
- برازش، علیرضا، تفسیر اهل البیت علیه‌السلام، ترجمه سیدرسول بهشتی‌نژاد، هابیل جوانی، مصطفی خلاش، جلد اول، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
- بیدآباد، بیژن، «کنترل بازار آزاد ارز با هدفگذاری پولی و سیاستهای تحدیدی تورم»، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
- بیروتی، محمد، هاشمی، سید محمد، «مبانی نظم عمومی در قرآن»، نشریه پژوهش‌های فقهی، دوره دهم، شماره یک، بهار ۱۳۹۳.
- ترکی، لیللا، مظاهری، باران، «تأثیرات اقتصادی تحریمهای مالی بر اقتصاد ایران»، فصلنامه علمی، پژوهشهای اقتصادی، دوره بیست و دوم، شماره چهارم، ۱۴۰۱.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۷.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، چاپ احمدی، ۱۳۸۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۲.
- حاجی‌پور، مرتضی، «جلوه‌های اصل حسن نیت در فقه امامیه»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰.
- حائری، مسعود، مبانی فقهی تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی، چاپ دوم، تهران، صحافی موسسه کیهان، ۱۳۷۳.
- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، جلد هفدهم، چاپ سوم، قم، آل البیت، ۱۴۱۶.ق.
- حسومی، طاهره، نوشین فرد، فاطمه، حسینی بهشتی، ملوک السادات، باب الحوائجی، فهیمه، حریری، نجلا، «مطالعه معانی ضمنی و لفظی آیات اخلاق اجتماعی در

- عاشری، بایرام، «مبانی فقهی قراردادهای خصوصی (ماده ۱۰ قانون مدنی) با رویکردی به نظر حضرا امام خمینی (س)»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۱.
- غلامی، علی، از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی: (مطالعه در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و فقه امامیه)، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- الفت، نعمت‌الله، «نظم عمومی و الزام به انعقاد قرارداد»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره هفتم، ۱۳۸۴.
- فضل، مهدی، خالقی، ابوالفتح، «کاستی‌های تقنینی در کاهش فساد در معاملات دولتی در پرتو رهنمودهای OECD»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره بیست و سوم، دوره ششم، ۱۳۹۷.
- قربان‌نیا، ناصر، اخلاق و حقوق بین الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
- لوی برول، هانری، جامعه شناسی حقوقی، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۳.
- الماسی، نجادعلی، علیزاده، عبدالرضا، کریم‌پور، صالح، «نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و جامعه شناختی»، نشریه پژوهش‌های فقهی، دوره دوازدهم، شماره یک، بهار ۱۳۹۵.
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی: کلیات حقوق جزا، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
- معصومی‌نیا، غلامعلی، «اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار)»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۸۶.
- مکارم الشیرازی، الشیخ ناصر، انوار الفقاهه (کتاب التجاره)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۶.ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد سوم، چاپ دهم، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- الموسوی البجنوردی، السید حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الیهادی، ۱۳۷۷.
- مولاویزه، محمد، «سیاست‌گذاری عمومی در حقوق اقتصادی»، پژوهشکده شورای نگهبان، یادداشت منتشره در ۲۹ بهمن ۱۴۰۰.
- مومنی، حسین، «بررسی و تبیین تأثیر اسراف در بهره‌وری سازمان از منظر اسلام»، معارف اسلامی و مدیریت، شماره چهاردهم، ۱۴۰۰.
- میرسعیدی، سید منصور، زمانی، محمود، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۰۰.ق.
- نقوی، سید دلاور علی، «تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر اقتصاد و رفاه»، نشریه سفیر نور، سال پنجم، شماره بیستم، زمستان ۱۳۹۰.

